

معرفی نرم افزار دانشنامه تفسیر طبری

اثر ماندگار ابوجعفر محمدبن جریر طبری



عزت الله مرتضایی *

amortezaei@noornet.net



* مدیر گروه علمی قرآن، اخلاق و دعای مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

۳۸ | رده آورده نور ۷۵

فصلنامه اطلاع رسانی، آشنایی و مطالعات رایانه ای علوم اسلامی

اشاره

تفسیر جامع البیان عن تأویل آی القرآن، اثر ابوجعفر محمدبن جریر طبری (۲۲۴-۳۱۰ق)، نخستین و معروف‌ترین تفسیر روایی اهل سنت به‌شمار می‌رود. با توجه به جایگاه و اهمیت این تفسیر، پژوهش فناورانه آن ضرورت می‌داشت. از آنجا که پژوهش به شیوه فرهنگ موضوعی، تخصصی، زمانبر و پرهزینه است، هیئت علمی گروه قرآن بر آن شد که پژوهش جامع البیان را به روش دانشنامه‌ای در دستور کار قرار دهد. در واقع، دانشنامه تفسیر طبری به لحاظ ساختار نرم‌افزاری و اهمیت محتوایی، برنامه‌ای است که به‌منزله «واحد کالف» (یکی به ارزش هزار) است. این برنامه، در میان مراکز علمی و دانشگاهی اهل سنت می‌تواند بازتاب گسترده‌ای داشته باشد. ازین‌رو، تلاش شد رابط کاربری برنامه: سه زبانه (فارسی، عربی و انگلیسی) باشد. امید است که مقبول طبع اساتید تفسیر و علوم قرآن و طلاب و دانشجویان این رشته قرار گیرد.

کلیدواژگان: ابوجعفر محمدبن جریری طبری، تفسیر طبری، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، دانشنامه، درختواره، تفسیر، روایی، اثری.

درآمد

پژوهش‌های حوزه علوم اسلامی، بیش از هر چیز بر متون و منابع برجای‌مانده از عالمان و اندیشمندان دینی تکیه دارد. آثار مکتوب دانشمندان اسلامی، دستمایه اصلی پژوهشگران برای تدویم کوشش‌های علمی و گشودن افق‌های تازه در ساحت دین‌ورزی و گسترش فرهنگ دینی است. با روی کار آمدن فناوری‌های جدید اطلاعات و ارتباطات، مانند رایانه و اینترنت، اندیشه استفاده از این فناوری‌ها برای فراهم آوردن دسترسی آسان‌تر به منابع علمی حوزه علوم اسلامی نیز پدید آمد. مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، در سال ۱۳۶۸ با هدایت و اشراف حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی، با همین انگیزه پایه‌گذاری شد و تا امروز، بخش چشمگیری از متون و منابع اسلامی را در قالب نرم‌افزارهای علوم اسلامی و وبگاه‌ها و کتابخانه‌های دیجیتال، به جامعه پژوهشی کشور عرضه کرده است.

ابزارها و امکانات پژوهشی گسترده و متنوع نرم‌افزارهای علوم اسلامی، دشواری‌های بسیاری را از پیش روی محققان دینی برمی‌دارد و فرایند پژوهش را شتاب چشمگیری می‌بخشد. بیش از سی سال از آغاز کار مرکز تحقیقات می‌گذرد و این مرکز تاکنون با دستمایه قرار دادن منابع مهم در موضوعات مختلف علوم اسلامی، صدها نرم‌افزار پژوهشی در قالب‌های گوناگون طراحی، تولید، و منتشر کرده است و همچنان طرح‌هایی برای تولید نرم‌افزارهای علوم اسلامی در دست اجرا دارد. نرم‌افزار دانشنامه تفسیر طبری، یکی از تازه‌ترین نرم‌افزارهای قرآنی است که مرکز نور آن را در سال ۱۳۹۹ تولید کرد.

معرفی طبری

ابوجعفر محمدبن جریر طبری ادیب، فقیه، محدث، مورخ، و مفسر مشهور اهل سنت، در سال ۲۲۴ و به قولی ۲۲۵ق در آمل طبرستان دیده به جهان

تفسیر جامع البیان عن تأویل آی القرآن، اثر

ابوجعفر محمدبن جریر طبری (۲۲۴-۳۱۰ق)،

نخستین و معروف‌ترین تفسیر روایی اهل سنت

به‌شمار می‌رود. با توجه به جایگاه و اهمیت این

تفسیر، پژوهش فناورانه آن ضرورت می‌داشت.

از آنجا که پژوهش به شیوه فرهنگ موضوعی،

تخصصی، زمان‌بر و پرهزینه است، هیئت علمی

گروه قرآن بر آن شد که پژوهش جامع البیان

را به روش دانشنامه‌ای در دستور کار قرار

دهد. در واقع، دانشنامه تفسیر طبری به لحاظ

ساختار نرم‌افزاری و اهمیت محتوایی، برنامه‌ای

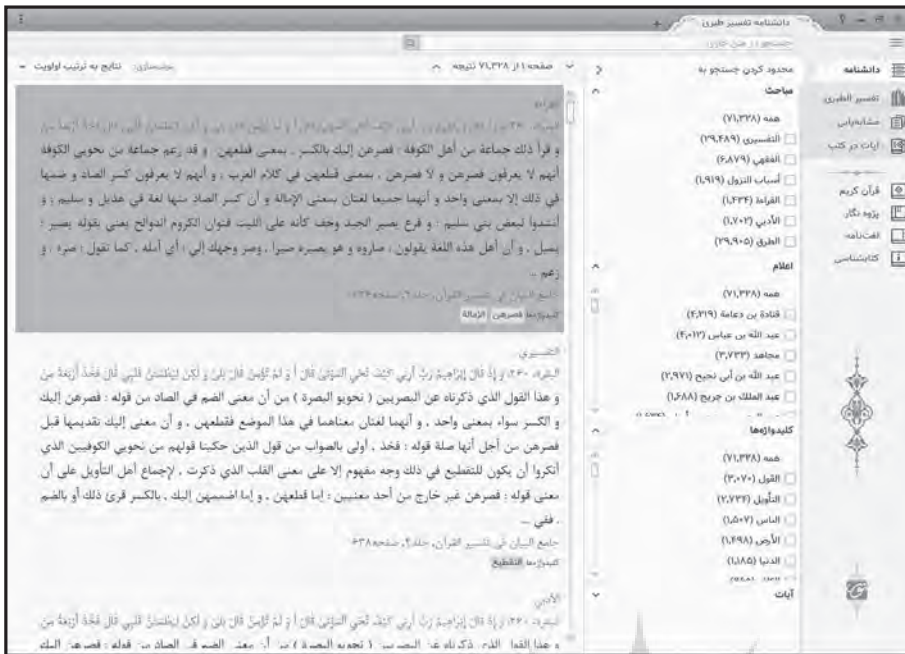
است که به‌منزله «واحد کالف» (یکی به ارزش

هزار) است. این برنامه، در میان مراکز علمی و

دانشگاهی اهل سنت می‌تواند بازتاب گسترده‌ای

داشته باشد. ازین‌رو، تلاش شد رابط کاربری

برنامه: سه زبانه (فارسی، عربی و انگلیسی) باشد



گشود. از این رو، به طبری و آملی، هر دو شهرت دارد. وی در مورد دوران خردسالی خویش می‌گوید: «قرآن کریم را در حالی که هفت‌ساله بودم، حفظ کردم. در هشت سالگی بود که برای مردم نماز گزاردم. حدیث را در زمانی که نه سال داشتم نگاهشتم. به خاطر رؤیایی که سراغ پدرم آمد، از دوران خردسالی به تحصیل اهتمام زیادی مبذول می‌داشت. پدر طبری در آمل، صاحب زمین کشاورزی وسیعی بود و از اینکه فرزند باهوش خود را در آغاز نوجوانی برای تحصیل علم از خود دور سازد و راه را فراسوی او برای سفر و رحله علمی بگشاید، رنج عاطفی را بر خود هموار ساخت. طبری

هنوز به دوازده سالگی نرسیده بود که از آمل به سوی ری و نواحی آن کوچ کرد و از محضر اساتید این منطقه، بهره‌هایی علمی دریافت کرد. ری، نقطه آغاز سفرهای علمی طبری بود و او کوچی را در پیش گرفت که مرزهای آن تا منتهای منطقه‌های شرق تا غرب بلاد اسلامی را دربرمی‌گرفت.» (۱) خطیب بغدادی گوید: «از علی بن عبیدالله سمسمانی شنیدم که می‌گفت: طبری در مدت چهل سال، روزانه چهل صفحه علمی می‌نوشت.» (۲)

سفر به ری

هدف طبری از سفر به ری، دریافت حدیث از محمد بن حمید رازی و مثنی بن ابراهیم ابلی بود. طبری حدیث را به روایت او در ری نگاهشت و کتاب المبتدأ را از احمد بن حماد دولابی کتابت نمود و مغازی محمد بن اسحاق را از سلمة بن فضل فراگرفت و آن را اساس و یکی از مصادر کتاب تاریخ خود قرار داد. آنگاه به ابن حمید رازی پیوست. طبری خود می‌گوید: «نزد محمد بن حمید رازی حدیث می‌نگاشتیم. هر شب چند بار به سوی ما می‌آمد و از آن مقدار که می‌نوشتیم، سؤال می‌کرد و آن را بر ما می‌خواند و ما نیز نزد احمد بن حماد دولابی می‌رفتیم. وی در یکی از روستاهای ری به سر می‌برد که از آنجا تا ری یک قطعه راه بود. پس از درس، مانند دیوانه‌ها می‌دویدیم تا نزد محمد بن حمید بازگشته و به مجلس درس او بپیوندیم.» (۳)

سفر به واسط

در محافل علمی از احمد بن حنبل و مراتب علمی او سخن می‌رفت. همین امر، موجب شد طبری از ری عازم بغداد شود و حدیث را از او روایت کند؛ اما اندکی قبل از وصول به بغداد، از خبر درگذشت احمد آگاه شد؛ ولی چون نمی‌خواست دست

خالی از این سفر بازگردد، به «واسط» نزد سایر شیوخ و اساتید، سماع حدیث کرد که عبارتند از: محمد بن موسی حرشی، عماد بن موسی القزاز (یا قزار)، محمد بن عبد‌العلی صنعانی، بشر بن معاذ و محمد بن بشار معروف به «بندار». (۴)

سفر به کوفه

(وی) واسط را که یکی از نواحی بغداد بود، به سوی کوفه پشت سر گذاشت و در آنجا نزد هناد بن سری و اسماعیل بن موسی حدیث را کتابت کرد. از محضر سلیمان بن خالد طلحی قرائات را آموخت. سرانجام توفیق یافت محمد بن علاء همدانی معروف به «ابوکریب» را دیدار کرده، از او سماع حدیث نماید. (۵)

سفر به شام، فسطاط و مصر

طبری در مسیر سفر به مصر، بر فراز جبال و تپه‌های شامات و سواحل و مرزهای آن گذر و اقامت کرد و اقامت او، به‌ویژه در بیروت، ایامی چند به درازا انجامید؛ چون در آنجا عباس بن ولید بیروتی مقرئ را دیدار کرد، در مسجد جامع آن، هفت شب را در حضور او به سر برد و قرآن را به



در مورد تفسیر و سایر علوم قرآنی، کتاب جامع البیان عن تأویل آی القرآن، برای اثبات این حقیقت ما را از هر گونه شواهد و ادله دیگر بی نیاز می سازد که طبری در همه علوم قرآنی، دانشمندی متبحر و متخصص بوده است. علاوه بر این، محققان و دانشمندان بزرگ، او و کتاب تفسیرش را به گونه ای عجیب ستوده اند. طبری، نه تنها در تفسیر مورد ستایش دانشمندان متقدم و متأخر بوده، بلکه راجع به او در تمام علوم که بدان ها شناخته شده بود، به مدح و ثنایش زبان گشودند



طبری، سرانجام خانه ای در «رحبة یعقوب» در بغداد بنا کرد و اوقات شبانه روزی خود را برنامه ریزی نمود و فرصت های خویش را در عبادت و قرائت و املاء و تألیف تقسیم و تنظیم نمود. (۸)

مهارت در قرائت، تلاوت، تجوید، تفسیر و علوم قرآنی

طبری در علوم قرآن و تفسیر، سرآمد روزگار بود. وی را ابوالمفسرین، و تفسیر او را ام التفاسیر نامیده اند. تبحر قرآنی وی در دو بخش، یکی علوم قرآن (قرائت، تلاوت و تجوید) و دیگری تفسیر، قابل طرح است. نخست، تسلط ایشان در علوم قرآن را مطرح می کنیم.

طبری از محضر اساتید برجسته ای در قرائت استفاضه کرد؛ از آن جمله: احمد بن یوسف تغلبی مقرر در بغداد، و عباس بن ولید بیرونی مقرر در بیروت، و یونس بن عبدالاعلی در مصر که قرائت حمزه و ورش را از محضر او اخذ کرد و خود به تنهایی قرائتی را اختیار نمود که در قرائت مشهور به چشم نمی خورد؛ چنان که در فقه و تفسیر، آرای منحصربه خود داشته و در آنها متفرد بوده است و کتاب الفصل بین القراءات، یا القراءات والتنزیل را نگاشت و در آن، اختلاف قراء در حروف قرآن را یاد کرده و اسماء قراء را در حروف قرآن از هم جدا ساخته و قراء مکه و

روایت قراء شام بر وی تلاوت و ختم کرد.

طبری سفر خود را تا «فسطاط» مصر دنبال کرد و در ۲۵۳ قمری بدانجا رسید. نخست با استاد ابوالحسن سراج مصری دیدار کرد. وی که ادیبی آگاه به فنون ادبیات عربی به شمار می رفت نیز با سایر دانشمندان آن دیار دیدار می کرد و پذیرای آنان می شد. مدت اقامت طبری در مصر، به طول انجامید و در اثنای آن، در سال ۲۵۶ قمری به شام سفر کرد و آنگاه به مصر بازگشت و فقه شافعی را از ربیع بن سلیمان مرادی و اسماعیل بن ابراهیم مزنی و فرزندان عبدالحکم، یعنی محمد بن عبدالله و برادرش عبدالرحمن، و فقه مالکی را از شاگردان عبدالله بن وهب فرا گرفت و در مصر، محضر یونس بن عبدالاعلی استاد اقراء آن دیار را درک نمود و قرائت حمزه و ورش را از وی دریافت کرد. (۶)

سفر به بغداد

طبری در بغداد به درس و مطالعه علوم قرآنی سرگرم شد و مدتی را در محضر احمد بن یوسف تغلبی مقرر شاگری کرد. آنگاه به فقه شافعی گرایش یافت. در این زمان، حسن بن محمد صباح و ابوسعید استخری، از اساتید فقه شافعی، در بغداد به سر می بردند و طبری مکتب شافعی را به عنوان مذهب خویش برگزید و سال هایی چند بر اساس آن فتوا می داد. (۷)

سرانجام، طبری به بغداد رفت و یک بار سفری به طبرستان داشت که به دنبال آن، برای همیشه به بغداد بازگشت و از آن پس، از آنجا بیرون نیامد. رهاورد این سفرها، روایات و یادداشت ها و تجربیات و قرائت کتب فراوان و مصاحبت با بزرگان علم و استفاضه از محضر آنان بود.

طبری از این پس، بغداد را به منزله آخرین موطن و اقامتگاه خویش برگزید و ترجیح داد که جز به تدریس و تألیف، به کار دیگری نپردازد و از هر کاری، جز این دو، روی گرداند. از این رو، بقیه عمر خود را در بغداد سپری ساخت.

شاگرد او، عبدالعزیز بن محمد طبری می‌گفت: «به خاطر حلاوت و دلچسب بودن تجوید و تلاوت طبری، افراد دور و نزدیک آهنگ او می‌کردند تا به قرائت و تجوید او گوش فرا دهند.» (۹)

اما در مورد تفسیر و سایر علوم قرآنی، کتاب جامع البیان عن تأویل آی القرآن، برای اثبات این حقیقت ما را از هرگونه شواهد و ادله دیگر بی‌نیاز می‌سازد که طبری در همه علوم قرآنی، دانشمندی متبحر و متخصص بوده است. علاوه بر این، محققان و دانشمندان بزرگ، او و کتاب تفسیرش را به گونه‌ای عجیب ستوده‌اند.

طبری، نه تنها در تفسیر مورد ستایش دانشمندان متقدم و متأخر بوده، بلکه راجع به او در تمام علوم که بدان‌ها شناخته شده بود، به مدح و ثنایش زبان گشودند.

خطیب بغدادی از ابی‌بکر [بن کامل یا ابن‌الویه] آورده که درباره طبری می‌گفت: «کان قد جمع من العلوم ما لم یشارک فیہ أحد من أهل عصره، وکان حافظا لکتاب الله، عارفا بالقراءات، بصیرا بالمعانی، فقیها فی احکام القرآن...»؛

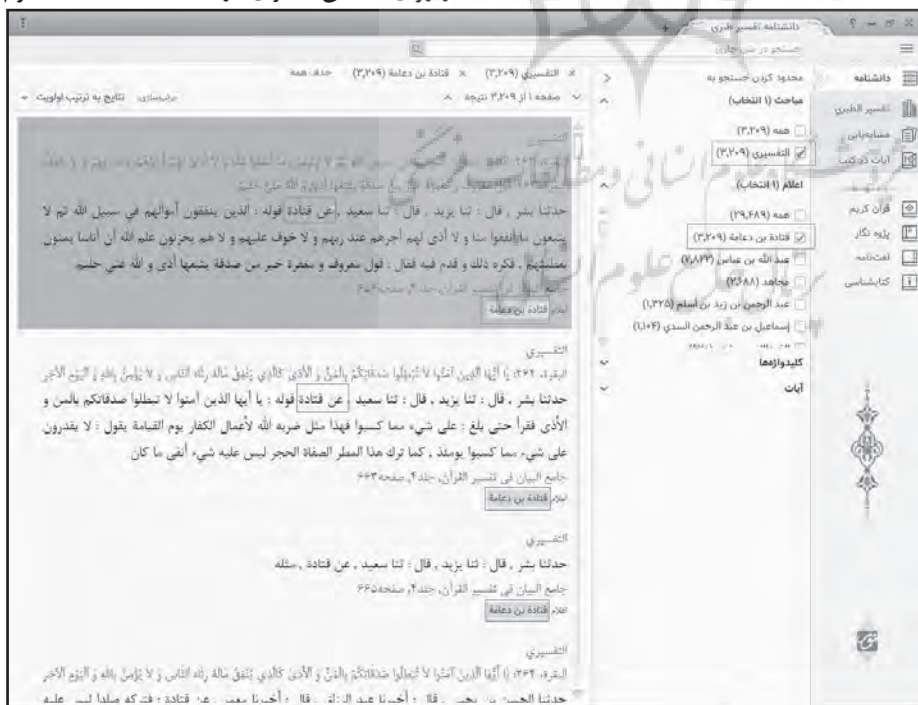
از روی تحقیق، طبری در جامعیت نسبت به علوم

مدینه و بصره و شام را مستقلاً در آن آورده و هر قرائتی را جداگانه گزارش نموده و وجه و تأویل هر قرائت را متذکر شده است و آنگاه از لابه‌لای آنها، قرائتی ویژه را برای خود انتخاب و اختیار نموده است. به‌علاوه، علل انتخاب و دلیل و برهان صحت آن را نیز آورده و در این کار، از مهارت و کارایی خویش در تفسیر و قواعد عربی و آشنایی به کلام عرب مدد گرفته است. این قرائت منتخب و مختار طبری، همان قرائتی است که به عنوان مکتب و روش و مذهب ویژه او به شمار می‌رود و باید یادآور شد که طبری قبل از اقدام به چنین انتخاب و اختیاری، همه قرائات را نزد اساتید فن فراگرفته بود؛ یعنی اساتید قرائت را در بغداد و کوفه و شام و مصر درک کرده بود.

طبری علاوه بر کاردانی در قرائات و تبحر و مهارت در این فن، از نظر تلاوت و ترتیل قرآن نیز کم‌نظیر و یا بی‌نظیر بوده است. ابوالقاسم ازهری می‌گفت: ابوالحسن زرقویه از ابوعلی طوماری برای ما نقل کرد که می‌گفت: «من در ماه رمضان، شب‌ها برای اینکه ابوبکرین مجاهد به مسجد بروم و «صلاة تراویح» را در آنجا برگزار کند، چراغدار او بودم. در یکی از شب‌های دهه آخر ماه رمضان، ابن‌مجاهد از سرای خود بیرون آمد و به جای اینکه وارد مسجدش شود، از کنار مسجد گذر کرد و بر آن درنیامد. آن شب من همراه او بودم. او همین‌گونه به راه خود ادامه داد تا به آخر بازاری رسید که «سوق العطش» نام داشت و در کنار مسجد محمد بن جریر [طبری] ایستاد. در آن لحظه، طبری سوره «الرحمن» را در مسجد تلاوت می‌کرد. ابن‌مجاهد مدتی طولانی به قرائت محمد بن جریر گوش سپرد؛ آنگاه برگشت [و به سوی مسجد خود به راه افتاد].»

ابوعلی طوماری می‌گوید: «من به ابن‌مجاهد گفتم: استاد! مردمی را در انتظار رفتن تو به مسجد هستند، رها کردی و آمدی به آوای قرائت قرآن این مرد گوش کنی؟ ابن‌مجاهد گفت: دست از این سخن بردار! فکر نمی‌کنم خداوند بشری را خلق کرده باشد که بتواند قرآن را بدین گونه نیکو [که محمد بن جریر] می‌خواند، قرائت کند.»

طبری کتاب وقف و ابتداء یا الوقف را با مهارت خاصی تألیف کرد. یکی از قرائین و شواهد تبحر طبری در قرائت، این کتاب است که نباید آن را در چنان عصری دست‌کم گرفت؛ چراکه او توانست وقوفی راه، با وجود اختلافات علمای قرائت در مورد آن، در این کتاب مطرح سازد که مورد قبول همگان بوده است.



[اسلامی] در میان معاصرانش بی‌همتا، و نیز حافظ قرآن، آشنا به قرائات، بصیر و بینا نسبت به معانی، فقیه در احکام قرآن، دانا به سنن و طرق آن، آگاه نسبت به طرق صحیح و سقیم، آشنا به نسخ و منسوخ، عارف به اقوال صحابه و تابعین و پیشینیان ایشان، عالم به مسائل حلال و حرام، آگاه به ایام و اخبار مردم... بوده است.»

عبدالعزیز طبری درباره او گفته است:

«طبری بسان یک فرد کارآمد در قرائت بود که جز قرائت قرآن، با فن دیگری آشنایی به هم نرسانده، و مانند محدثی بود که صرفاً در حدیث تخصص داشته، و چون فقیه‌ی بود که دارای تخصص در فقهت بوده، و همچون یک نحوی متضلعی بود که فقط در نحو مهارت به دست آورده، و همانند عالم حاذق در حساب بود که تنها در علم حساب آشنایی عمیق داشته است. وی، دانای به عبادات و جامع علوم و دانش‌ها بوده است و اگر کتاب‌های او را در کنار کتاب‌های دیگران قرار دهی [و به ارزیابی آنها بپردازی]، برای کتاب‌ها و آثار او، مزیت و برتری نسبت به کتاب‌های دیگران را [به‌خوبی] می‌یابی.» (۱۰)

مذهب فقهی جریریه

طبری همه مذاهب، به‌ویژه مذهب شافعی را مورد مطالعه و بررسی قرار داد و سرانجام مذهب شافعی را برای خود برگزید. او ده سال در بغداد طبق مذهب شافعی فتوا می‌داد. سپس، مسائل فقهی را به احصا و استقصا گرفت و گره مباحث و

موضوعات پیچیده فقهی را از هم گشود و آنها را روشن و یک‌طرفه ساخت و به امعان نظر و دقت عمیق در آنها پرداخت.

نتیجه این کاوش‌ها و استنباط‌ها، به تأسیس مذهبی در فقه سربرآورد که تنها خود طبری آنها را اظهار کرده و از آنها در کتاب‌های مبسوط و یا مختصر خود یاد نموده و سرانجام کتاب لطیف القول را به هم رسانده است که آن را بر هشتاد و سه باب تنظیم نمود و این کتاب را به عنوان خلاصه و عصاره نظریات شخصی خویش در فقه و احکام شرایع اسلام، مقرر و مستدل ساخت.

طبری در کتاب البسیط درباره علمای بلاد اسلامی و مراتب علمی آنها گفت‌وگو کرده و ابواب فقهی را به طور مبسوط و گسترده گزارش نموده است. در کتاب اختلاف الفقهاء یا اختلاف علماء الأمصار، اقوال و آرای فقهایی چون: مالک بن انس، ابوحنیفه، شافعی، سفیان ثوری، اوزاعی، ابویوسف، محمد بن حسن شیبانی و ابراهیم بن خالد کلبی را یاد کرده و به مناقشه درباره آنها پرداخته و میان ادله و براهین آنها، به مقایسه و ارزیابی نشسته و رأیی که از نگاه او حق و صواب می‌نمود، انتخاب کرده است. ... وی برای احمد بن حنبل از نظر فقهی ارزش و اعتباری قائل نبود؛ لذا نظریات او را در کتاب اخیر نیاورده است و شاید همین بی‌اعتنایی‌ها و یا انتقادها از احمد بن حنبل باعث شد که حنبلی‌ها نسبت به او بی‌مهری کنند و او را در بغداد دچار حصر و مضیقه سازند.

بسیاری از علما به مذهب فقهی طبری گرایش یافتند و ابن‌الدیم، فن هفتم از مقاله ششم کتاب خود را به طبری و اصحاب و پیروان او اختصاص داده است؛ پس از آنکه تاریخچه کوتاهی از زندگانی و اساتید و آثار او یاد می‌کند. (۱۱)

این مذهب فقهی جدید، «جریریه» نام گرفت که پیروانی هم داشت. در تأیید این مطلب، نمونه‌هایی از گفته‌های دانشمندان را درباره

تفسیر طبری، مهم‌ترین تفسیر اثری به شمار می‌آید. طبری در مقدمه تفسیرش، برخی از مبانی تفسیری مورد نظر خود را مطرح کرده است. وی نخست آیه را مطرح می‌کند و سپس، به بیان اقوال مربوط به آیه می‌پردازد. اگر یک قول در آیه باشد، قائلان آن را به ترتیب با سند کامل مطرح می‌سازد. اگر بیش از یک قول باشد، اقوال را دسته‌بندی کرده و ارائه می‌کند. گاهی به توجیه اقوال و تبیین آرا می‌پردازد و با تحلیل عقلی، بهترین رأی را برمی‌گزیند. ازین رو، تفسیر طبری، تفسیر اثری محض نیست؛ بلکه روایی درایی است؛ یعنی نقلی و عقلی

ابو‌احمد عباس بن حسن عزیزی، از طبری خواست که کتاب فشرده‌ای در احکام فقهی برای او بنگارد. طبری کتاب اللطیف را برای او تلخیص نمود و آن را الخفیف نامید. (۱۲)

مذهب کلامی

طبری در عقیده، سلفی و اشعری به شمار می‌آمده است؛ هرچند برخی برآن‌اند که در باطن، گرایشی به تشیع داشته است. معتقدات محمد بن جریر طبری، این اندازه مسلم است که در زمان حیات، متهم به تشیع و دوستی حضرت علی (ع) و ائمه اطهار (ع) بوده است. در نتیجه همین اتهام، پس از مرگش، از ترس عوام و متعصبان اهل سنت و جماعت، او را در شب دفن کردند. آنچه تأیید می‌کند تمایل او را به تشیع، آن است که مردم طبرستان و گیلان، از همان اوایی که به دین مقدس اسلام درآمدند، اکثر آنان شیعی مذهب بودند و به دوستی اهل بیت (ع) شهرت داشتند. ازین رو، یکی از پناهگاه‌های شیعیان و سادات علوی در زمان‌هایی که خلفای اموی و عباسی در صدد آزار و نابودی آنان بودند، جبال طبرستان و گیلان بود. سلاطین آل بویه نیز که خود شیعه پاک‌اعتقاد بودند و مذهب شیعه اثنی‌عشری را ترویج می‌کردند، از گیلان برخاسته بودند. در عصری که طبری نشو و نما

مذهب‌سازی طبری می‌آوریم که در پاره‌ای از آنها، به همین نکته تصریح شده و در پاره‌ای دیگر، بدان اشارت رفته است؛ مبنی بر اینکه او دارای مذهب خاصی در فقه بوده است. خطیب بغدادی از ابوبکر [بن‌بالویه یا ابن‌کامل] آورده است که می‌گفت:

«طبری، یکی از علمای پیشرو و رهبران دینی بود. او به خاطر فضل و معرفتش، طبق نظر خود حکم می‌کرد و به رأی شخصی خودش متکی بود.» و نیز همو گفته است: «طبری را در اصول و فروع فقه، کتب و آثار فراوانی است و او را گزینشی است از آراء فقها، و متفرد در مسائلی است که از او به جای مانده است.»

اگرچه طبری در کتاب اختلاف علماء الأمصار، اقوال فقها، یعنی: مالک، اوزاعی، ثوری، شافعی، ابوحنیفه، ابویوسف، محمد بن حسن شیبانی و ابراهیم بن خالد را آورده، اما نظر شخصی خود را در آن یاد نکرده است؛ بلکه در مورد رأی خاص فقهی خود، کتاب اللطیف را ساخت.

اما یاقوت حموی درباره کتاب اللطیف یا لطیف القول فی احکام شرایع الاسلام که الخفیف فشرده‌ای از آن است، گفته است: «این کتاب که سراسر فرآورده مذهب فقهی و آرای شخصی طبری در فقه و پایگاه اتکا و استناد اصحاب و پیروان اوست، از نفیس‌ترین کتاب‌های طبری و بلکه نفیس‌ترین کتب فقها، و برترین امهات مذاهب و استوارترین آثار مدون به شمار می‌رود. ابوبکر بن رامیک می‌گفت: در هیچ مذهب و مکتبی از مذاهب فقهی، کتابی بهتر و مرغوب‌تر از آن نوشته نشده است. این کتاب، بر کتاب اختلاف علماء الأمصار به جهت سه باب فقهی فزونی دارد و این سه باب، عبارت‌اند از: کتاب اللباس، کتاب امهات الأولاد و کتاب الشرب. طبری این کتاب را به دلیل باریک‌اندیشی و کثرت اظهار نظرهای شخصی و... استدلال‌ات و تعلیلات فراوان و چشمگیر، اللطیف نامیده و این نامگذاری، از آنجا ریشه نمی‌گیرد که کتاب یادشده کم‌حجم و کوچک بوده است؛ بلکه این کتاب، حجیم و از نظر کمیت بسان کیفیت آن جالب توجه است.»

برخی از تفاسیر تابعان که طبری از آنها در تفسیرش استفاده کرده است، بدین شرح‌اند: تفسیر عبدالرحمن بن زید بن اسلم، تفسیر ابن جریج، تفسیر مقاتل بن حیان، و احادیث و آثار تفسیری مسند و مشهور از سایر مفسران و دانشمندان اسلامی.

وی از آثار تفسیری غیر مسند محمد بن سائب کلبی، مقاتل بن سلیمان و محمد بن عمر واقدی احتراز کرده است؛ ولی مطالب تاریخی و اخبار و حوادث و وقایع را از محمد بن سائب کلبی و فرزندش هشام و واقدی و دیگران در صورت نیاز نقل کرده است. از کتاب علی بن حمزه کسایی، یحیی بن زیاد فراء، ابوالحسن اخفش، ابوعلی قطرب و دیگران، معانی و اعراب واژگان قرآن را نقل کرده است

می‌شود که حاکی از تمایل آنان به مذهب تشیع است، چنان عقیده دارد که قطعاً طرف تشیع آنان رجحان دارد؛ زیرا اگر کسی در حقیقت، معتقد به این مذهب نباشد، هیچ دلیل منطقی و عقلایی وجود ندارد که در عصری که همه مردمان برخلاف مذهب مذکور هستند و تمایل و تظاهر بدان مذهب موجب ضررها و خسارات مالی و جانی و اعتباری است، باین حال، کسی که در معنا و باطن معتقد و متمایل به آن مذهب نیست، اظهار میل به آن مذهب کند و جسته و گریخته و به اشاره و تلویح، حقانیت آن مذهب و علاقه و تمایل خود را بدان برساند و یا به طرزی سخن گوید که در آن، ایهام و ابهام باشد؛ چه آنکه اگر در حقیقت، این‌گونه کسی معتقد به مذهب تسنن باشد، هیچ ترس و واهمه‌ای از اظهار عقیده باطنی خود ندارد؛ بلکه آن را موجب سرافرازی و افتخار می‌داند؛ ولی در غیر این صورت، ناگزیر است که سخن در پرده گوید و از راه اشاره و ایهام، گاهی معتقدات باطن خود را بیان کند. از این‌گونه کلمات و سخنان دوپهلوی و ایهام‌دار، در گفتار اغلب کسانی که مشتبه

یافت، مردم طبرستان عموماً پیرو حضرت علی(ع) و اولاد بزرگوار او بودند. از مجموع این قراین، می‌توان استنباط کرد که طبری نیز از جهت تأثیر محیط و خانواده و پرورش ابتدایی، قطعاً شیعه و یا متمایل به تشیع بوده است؛ ولی معلوم نیست که بر فرض تشیع طبری و یا تمایل او به تشیع، معتقدات وی درباره صحابه و خلفای راشدین، همچون معتقدات شیعه‌های دوازده امامی بوده است؟ از حکایات و قضایایی که در تاریخ زندگانی وی دیده می‌شود، چنان برمی‌آید که اگر هم تمایل به مذهب شیعه داشته است، نسبت به خلفای راشدین و صحابه حضرت رسول اکرم(ص) نیز بدبین نبوده و آنان را گرمی می‌داشته است؛ مگر اینکه بگوییم تجلیل وی از خلفا و صحابه، از راه تقیه بوده است و این گمان، در پاره‌ای از موارد چندان دور از حقیقت نمی‌نماید؛ زیرا چنان که معلوم است، شیوع مذهب تسنن در زمان طبری، آن هم در مرکز خلافت اسلامی و دربار خلیفه، در نهایت شدت بود و مخالفان آن مذهب، به‌ویژه شیعیان دوازده امامی، هیچ‌گونه آزادی اظهار عقاید و عمل نمودن به آداب و مراسم مذهبی خود نداشتند و ازین‌رو، برخی از علمای آن عصر که شیعه قطعی بوده‌اند، به‌ظاهر خود را هم‌رنگ دیگران می‌کردند و از تقیه خودداری نمی‌نمودند. ممکن است طبری نیز که محل اقامتش بغداد، مرکز خلافت اسلامی و اجتماع علما و مفتیان بزرگ اهل سنت و مدارس و مجامع تدریس بر وفق مذهب اهل سنت بود، خواهی‌نخواهی به‌ظاهر خود را هم‌رنگ عموم قرار داده بوده است. نگارنده درباره طبری و کسانی که مانند وی در نظر ما مشتبه هستند و از شرح احوال و عقاید آنان به‌طور قطع و مسلم نمی‌توانیم مذهب و معتقدات آنان را به دست بیاوریم، ولی در گوشه و کنار تاریخ زندگانی آنان اشارات و کنایاتی دیده





هستند، از قبیل: طبری، نظامی، سعدی و غیرایشان، زیاد دیده می‌شود. درباره مذهب طبری این بحث را به نقل قول مرحوم سید محمدباقر چهارسوئی اصفهانی (اعلی الله مقامه) صاحب کتاب نفیس روضات الجنات خاتمه می‌دهیم.

ترجمه کلام وی در ضمن شرح احوال طبری درباره مذهب او چنین است: (۱۳) «ولی در پیش من، شبهه بزرگی است درباره مذهب ابوجعفر طبری، بلکه بودن او از اهل مذهب حق (یعنی شیعه)، نزد من رجحان دارد؛ به دلایل ذیل: اول: طبری از

شهری بوده است که مردمان آنجا از قدیم معروف به تشیع بوده‌اند و درین مذهب، کمال تصلب و تعصب داشته‌اند؛ به‌ویژه در زمان پادشاهان آل بویه. دوم: اقدام وی به تألیف کتابی درباره حدیث غدیر خم؛ در صورتی که عموم اهل سنت و به‌خصوص متعصبان این طایفه، به هیچ‌وجه راضی به نوشتن این‌گونه کتب نیستند. سوم: پیروی نکردن طبری در فروع از هیچ‌یک از مذاهب چهارگانه اهل سنت؛ حال آنکه تمام سنیان، پیرو یکی از آن مذاهب می‌باشند و غیر از طبری، هیچ‌کس را از اهل سنت سراغ نداریم که پیرو یکی از مذاهب چهارگانه نباشد. با این وصف، هیچ‌گونه دلیل و باعنی برای این امور وجود ندارد؛ مگر اینکه بگوییم که طبری هرچند به‌ظاهر از نظر رعایت جانب خلفا و بزرگان دولت که همگی مذهب اهل تسنن داشتند، تظاهر به مذهب اهل سنت داشته است؛ ولی در باطن، از پیروان مذهب تشیع بوده است.» (۱۴)

ابن عساکر می‌گوید: وقتی برای طبری گزارش کردند ابوبکر بن ابی‌داود سجستانی [که از سوی پدر به عنوان دروغ‌گوی حرفه‌ای معرفی شده بود] در مقام تکذیب حدیث غدیر خم برآمده است، کتاب الفضائل را نگاشت و در آن، به ذکر فضایل ابی‌بکر و عمر و عثمان و علی [علیه السلام] پرداخت و در مقام اثبات صحت حدیث غدیر، به احتجاج و استدلال روی آورد و با ذکر فضایل امیرالمؤمنین، آن را به پایان برد.

یاقوت حموی گوید: عباسیان از او درخواست کردند در فضایل خلفای عباسی مطالبی بنویسد. طبری نخست دیباچه نیکویی آورد و مقداری از آن را املا کرد و قبل از مرگ خود، همه آن را از کتاب الفضائل جدا ساخت.

ولی از ابوبکر بن کامل نقل کرده‌اند: انگیزه تألیف کتاب الفضائل این بود که طبری از بغداد به طبرستان بازگشته بود، دید تشیع در آنجا رواج یافته و مردم در مقام سب و دشنام [خلفا و] صحابه فروگذار نمی‌کنند و مطاعن آنان در میان مردم طبرستان، رو به انتشار نهاده است؛ لذا کتاب فضایل ابی‌بکر و عمر را نوشت تا آنجا که ترسید مردم طبرستان به او آسیب رسانند. به همین جهت، از طبرستان بیرون رفت [و به بغداد بازگشت].

بسیاری از جغرافی‌دانان اسلامی یادآور شده‌اند که هم‌زمان با طبری، تشیع و ولای اهل بیت (ع) به وضع بسیار جالب و چشمگیری بر محیط طبرستان حاکم بود.

در اینجا باید یادآوری کرد که وضع کتاب الفضائل دچار ابهام است و انگیزه‌های نگارش آن، چندان معلوم نیست و با وجود اینکه همگی جز ابوبکر بن کامل گفته‌اند عامل اصلی تدوین کتاب الفضائل تکذیب حدیث غدیر خم بوده است، پس چرا این کتاب را در ذکر فضایل ابی‌بکر و عمر و

عثمان و علی [علیه السلام] ساخت؟ و اساساً کتاب احادیث غدیر خم چه رابطه‌ای با کتاب الفضائل دارد؟ آیا دو کتاب است یا یک کتاب؟ آیا دو نظریه و رأی است یا یک رأی؟ آیا طبری گرفتار تهافت در رأی بوده است؟

یاقوت حموی می‌گوید: یکی از علمای بغداد در مقام تکذیب حدیث غدیر خم، به گفتار دم زد و گفت علی بن ابی طالب هنگامی که رسول خدا (ص) در غدیر خم بودند، در یمن به سر می‌برد. این تکذیب، به اطلاع ابوجعفر [طبری] رسید؛ لذا [کتابی نگاشت و یا املا نمود] که در آن، به سخن در فضایل علی بن ابی طالب [علیه السلام] آغاز کرد و طرق حدیث غدیر خم را در آن یادآور شد. ابن کثیر می‌گوید: من کتابی از طبری دیدم که احادیث غدیر خم را در آن گرد آورده و در دو مجلد تنظیم شده بود.

سخن فرغانی نیز این گفتار اخیر یاقوت را تأیید می‌کند. وی می‌گوید: «... وقتی خبر تکذیب حدیث غدیر خم از سوی ابن ابی داود [دروغ‌پرداز] به طبری رسید، دست‌اندرکار نگارش کتاب الفضائل شد و در تصحیح حدیث آن، سخن گفت. فرغانی می‌گوید: مجلدی از طرق حدیث ابن جریر را دیدم و در برابر آن و نیز کثرت این طرق، دچار بهت و حیرت گشتم.

آیا کتاب الفضائل با توجه به مطالب یادشده همان کتاب احادیث غدیر خم است یا طبری دو کتاب به نام الفضائل نگاشته و یا یکی از آنها از او نیست و یا هر دو از اوست، اما گرفتار دوگانگی در رأی و یا تأویل حدیث غدیر شده است؟ این مطلب، جای بسی تأمل دارد و باید محققان با مطالعه آثار و افکار و آراء طبری، پرده از روی اسرار آن بردارند. (۱۵)

آثار

طبری همان‌گونه که شهرت دارد، دانشمندی پُرکار و اندیشمندی صاحب آثار بسیار است. شوربختانه، بیشتر آثار وی دستخوش گزند حوادث زمانه شده و توفیق ماندگاری نیافته؛ جز دو اثر سترگ ایشان در حوزه تاریخ و تفسیر که به حق مصداق «واحد کألف» (یکی چون هزار) است. البته برای آگاهی خوانندگان محترم، به مهم‌ترین آثار وی اشاره می‌شود.

۱. تاریخ الأمم والملوک؛ ۲. جامع البیان عن تأویل آی القرآن؛ ۳. الجامع فی القراءات؛ ۴. الوقف والإبتداء؛ ۵. الفصل بین القراءات؛ ۶. العدد والتنزیل؛ ۷. اختلاف علماء الامصار فی احکام شرائع الاسلام؛ ۸. لطیف القول فی احکام شرائع الاسلام؛ این اثر، بسیط القول هم نامیده شده است؛ ۹. خفیف القول فی احکام شرائع الاسلام؛ ۱۰. فضائل علی بن ابی طالب (ع)؛ ۱۱. فضائل ابی بکر و عمر و عثمان و علی؛ ۱۲. غدیر خم؛ ۱۳. تاریخ الرجال من الصحابة والتابعین؛ ۱۴. التبصر فی اصول الدین. (ر.ک: ۱۶-۲۲)

دانشنامه تفسیر طبری، دانشنامه‌ای دیجیتالی است که بر روی لوح فشرده عرضه می‌شود و زمینه دسترسی به متن تفسیر طبری با دسته‌بندی‌های موضوعی گوناگون و امکان جست‌وجوی ساده و پیشرفته را فراهم خواهد ساخت. مهم‌ترین ویژگی نرم‌افزارهای دانشنامه‌ای (برچسب‌گذاری یا فرمت تخصصی)، تقطیع متن و دسته‌بندی مطالب آن بر اساس موضوع‌های تخصصی است. دسته‌بندی موضوعی یا به عبارتی، فرمت‌های تخصصی نرم‌افزار دانشنامه تفسیر طبری، از این قرار است: مباحث، اعلام، واژگان و آیات.

مباحث، شامل تفسیر ۲۹۴۸۹ مورد، فقهی ۶۸۷۹ مورد، اسباب نزول ۱۹۱۹ مورد، قرائت ۱۴۳۴ مورد، ادبی ۱۷۰۲، طرق آثار و روایات ۲۹۹۰۵ مورد که در کل، ۷۱۳۲۸ فیش شده است



جامع البيان عن تأويل آي القرآن

تا آنجا که نگارنده به بررسی کتاب تفسیر طبری پرداخت، دیده نشد که طبری در این کتاب آن را با نام جامع البيان عن تأويل آي القرآن و یا جامع البيان یا پسوند و پیوست دیگری از قبیل: «فی تفسیر القرآن»، «فی تأویل آي القرآن» و «فی تأویل القرآن» معرفی کرده باشد؛ یعنی در کتاب تفسیر، نامی برای آن ذکر نمی‌کند.

طبری در کتاب تاریخ الأمم والملوک یا تاریخ الطبری، عنوان و نام جامع البيان عن تأویل آي القرآن را برای کتاب تفسیرش یاد می‌کند و می‌گوید:

«وقيل أقوال في ذلك قد حكينا منها جملا في كتابنا المسمى جامع البيان عن تأويل آي القرآن فكرهنا إطالة الكتاب بذكر هذا في هذا الموضوع.» (۲۳)

بنابراین، باید گفت نام و عنوان کامل و صحیح کتاب تفسیر طبری، جامع البيان عن تأویل آي القرآن است. از این رو، دانشمندان پیشین، شاید از آن رو که تاریخ الأمم والملوک طبری را در این قسمت ندیده‌اند و یا کتاب تفسیر او را با انتساب به نام مؤلفش یاد کرده‌اند، از طبری تفسیری به نام جامع البيان... یاد نمی‌کنند؛ بلکه از این کتاب با عنوان‌های «تفسیر ابن جریر»، «تفسیر محمد بن جریر»، «تفسیر الطبری» و امثال آنها نام می‌برند؛ حتی حاجی خلیفه در کشف الظنون در حرف «جیم»، از تفسیر طبری با نام جامع البيان... گزارشی ندارد؛ بلکه در حرف تاء ذیل عنوان «تفسیر ابن جریر»، این کتاب را می‌شناساند. (۲۴)

اسماعیل پاشا، نام نادرستی از تفسیر طبری ذکر کرده و گزارش کوتاهی درباره آن می‌نویسد. وی از تفسیر طبری با تعبیر جامع البيان فی تأویل القرآن نام می‌برد. (۲۵)

اکثر نویسندگان ترجمه احوال طبری، کتاب تفسیر او را به نام خود وی اضافه کرده

و آن را بدو منتسب داشته‌اند و بدین صورت، از آن یاد می‌کنند: «تفسیر الطبری» (۲۶)، «تفسیر محمد بن جریر» (۲۷) یا «تفسیر ابن جریر» (۲۸) با آنکه نام کامل کتاب‌های دیگر او را می‌نویسند، اما در گزارش این مطلب که او را تفسیری است، می‌گویند: «له کتاب فی التفسیر»، «کتاب التفسیر» (۲۹)، «کتاب ابن جریر فی التفسیر» و امثال آن، و در هر حال، عنوان جامع البيان... را ذکر نمی‌کنند.

در دیباچه تفسیر طبری، عباراتی دیده می‌شود که شاید بعداً طبری عنوان جامع البيان عن تأویل آي القرآن را از لابه‌لای آن استخراج کرده و در کتاب تاریخ الأمم والملوک (۳۰) این عنوان را در خور کتاب تفسیرش یافته و آن را متذکر گردیده است؛ چراکه او در همین دیباچه می‌گوید: «ونحن فی شرح «تأویله» و «بیان» ما فیه من معانیه، «مستوعبا» لكل ما بالناس إليه الحاجة من علمه، و «جامعا»... وانّ أوّل ما نبداً به «الإبانة» عن الأسباب التي البداية بها أولى... وذلك «البيان عما فی آي القرآن» عن المعانی التي من قبلها...».

علاوه بر این، در تفسیر طبری - چه در مقدمه و چه در اصل تفسیر - در اکثر قریب به تمام موارد،



عنوان «البیان» در موضوعی اندک و یا عنوان «بیان» در اکثر مواضع و نیز واژه «تأویل» به کار رفته است. (۳۱)

تفسیر طبری از نظر زمانی، قدیمی‌ترین تفسیر اثری عامه است که بر جای مانده است و از جهت محتوایی، کامل‌ترین و جامع‌ترین تفسیر اثری در میان اهل سنت است. شاید بتوان گفت کلیه تفاسیر روایی سنی پس از آن، متأثر از این تفسیر هستند. سیوطی، مفسر نامدار قرن دهم هجری، این اثر را چنین گزارش کرده است: تفسیر طبری، ارزشمندترین و بزرگ‌ترین تفسیر روایی است. (۳۲) ذهبی، تفسیرپژوه معاصر، آن را چنین توصیف کرده است: تفسیر طبری، معتبرترین و مشهورترین تفسیر است؛ مرجع دست‌اول آرای تفسیری نقلی است؛ هرچند در آن زمان نیز در ارائه آرای تفسیری عقلی نیز کم اهمیت نبوده است. تمام پژوهشگران شرقی و غربی اتفاق نظر دارند که مهم‌ترین تفسیر است. ذهبی (۳۳) و حاجی خلیفه (۳۴)، از نووی (۳۵) نقل کردند و وی از خطیب بغدادی نقل کرده که: هیچ کس مانند تفسیر طبری نمی‌تواند بنویسد. (۳۶) یاقوت حموی، از ابو حامد اسفراینی نقل کرده: اگر کسی برای به دست آوردن تفسیر طبری تا چین و ماچین سفر کند، کار زیادی نکرده است؛ زیرا تفسیر طبری بسیار ارجمند است. (۳۷) ذهبی به نقل از گلدزیه‌ر مجاری، از تئودور نولدکه، قرآن‌پژوه آلمانی نقل کرده: اگر این تفسیر در اختیار ما باشد، از کلیه تفاسیر بعد از آن بی‌نیاز می‌بودیم. شوربختانه، این اثر گرانبها گم شده و گویا مانند کتاب تاریخش، کامل و جامع بوده است. دانشمندان و مفسران، تمام آرای علمی و تفسیری خود را از آن اقتباس کرده‌اند. (۳۸)

روش و گرایش تفسیری

تفسیر طبری، مهم‌ترین تفسیر اثری به شمار می‌آید. طبری در مقدمه تفسیرش، برخی از مبانی تفسیری مورد نظر خود را مطرح کرده است. وی نخست آیه را مطرح می‌کند و سپس، به بیان اقوال مربوط به آیه می‌پردازد. اگر یک قول در آیه باشد، قائلان آن را به ترتیب با سند کامل مطرح می‌سازد. اگر بیش از یک قول باشد، اقوال را دسته‌بندی کرده و ارائه می‌کند. گاهی به توجیه اقوال و تبیین آرا می‌پردازد و با تحلیل عقلی، بهترین رأی را برمی‌گزیند. ازین رو، تفسیر طبری، تفسیر اثری محض نیست؛ بلکه روایی درایی است؛ یعنی نقلی و عقلی. (۳۹)

طبری، با شدت و حدت، با تفسیر به رأی مخالفت خود را ابراز می‌کند و اصرار دارد که باید برداشت‌های علمی را با سخنان صحابیان و یافته‌های تابعان سنجید تا در دام تفسیر به رأی نیفتاد. در مآثورات نیز به اخبار آحاد نباید دل خوش داشت؛ بلکه باید از متواتر و مستفیض استفاده کرد. این، مهم‌ترین نشانه تفسیر درست است. (۴۰) در تحلیل واژگان قرآن نیز از مباحث ادبی و دانش قرائت و تجوید، کمال استفاده را برده است.



می‌نماید. (۴۶)

وی گوشه چشمی هم به بیان مسائل کلامی دارد. این نشان می‌دهد که طبری علاوه بر تفسیر، تاریخ و حدیث، در کلام نیز ید طولایی دارد. وی در بیشتر آیات عقیدتی، تلاش کرده که آنها را منطبق با مبانی کلامی اشاعره مطرح سازد. در برخی از آیات که محل اختلاف کلامی بوده نیز آرای مختلف را بیان نموده و میان آنها به داوری نشسته است. گرایش وی به اشاعره، از آنجا روشن می‌شود که آیات مستمسک معتزلیان و قدریان را نقد کرده و در ردّ اختیار، داد سخن داده است. تعصب وی در گرایش به اشعریان، چنان است که آنان (معتزلیان و قدریان) را با القاب توهین‌آمیز یاد می‌کند. (۴۷) وی به تفسیر عقلی برخی آیات که توسط مفسران معتزلی بیان شده، واکنش شدید نشان داده و در ردّ آنها اهتمام ویژه داشته است. ذیل آیات رؤیت حق تعالی، تجسیم و تشبیه حق تعالی - معاذ الله تعالی - با تفکر عقلی معتزلی مبارزه کرده است. (۴۸ و ۴۹)

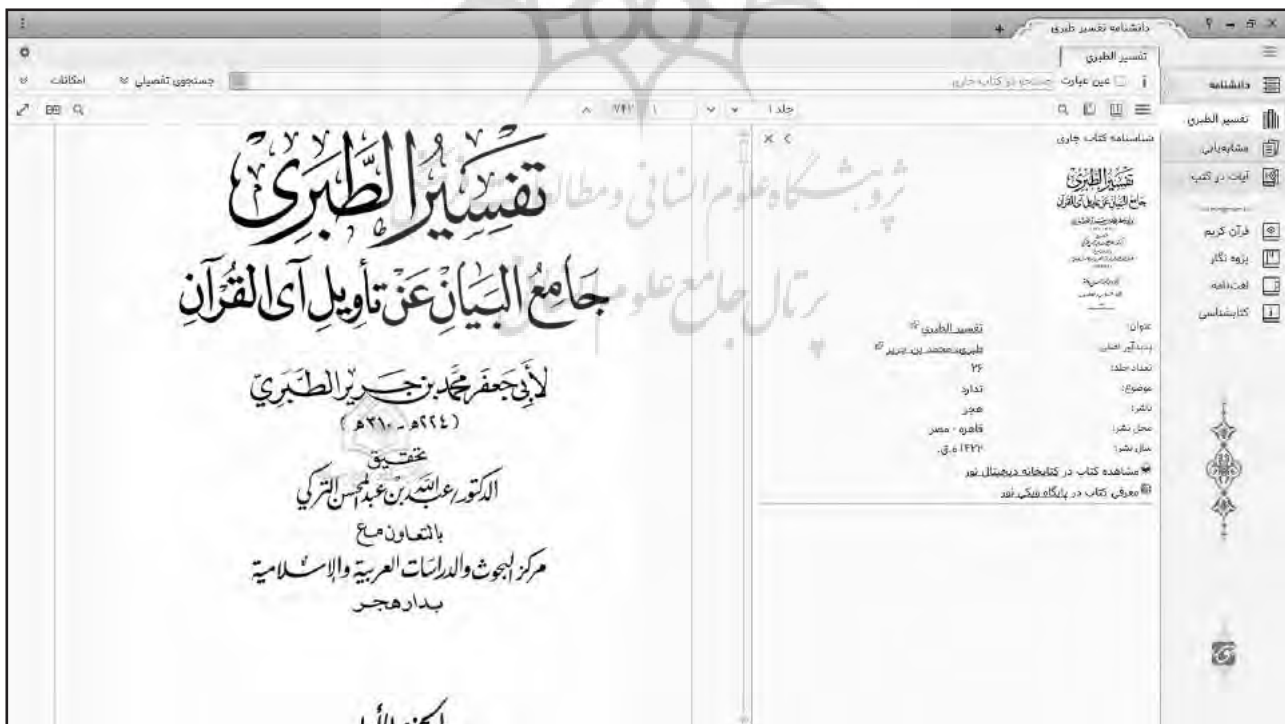
ازین رو، گویند: اگر کسی بخواهد از جامع البیان

شیوه وی در نقل اسانید، اهتمام به ذکر سند به طور کامل است و از نقد و بررسی آن، غالباً چشم‌پوشی کرده و آنها را حمل به صحت کرده؛ مگر در برخی موارد که بحث سندی نموده و وارد علم رجال و درایه شده است. (۴۱) وی مانند سایر دانشمندان و مفسران عامه، گرایش شدیدی به اجماع دارد. اجماع در تفسیر طبری، دارای جایگاه ویژه و کلیدی است. (۴۲)

طبری، به قرائات و اختلاف آن، توجه کامل دارد؛ زیرا همان‌گونه که اشاره کردیم، وی از دانشمندان بنام قرائت به شمار می‌رفته است. یاقوت حموی، بر آن است که وی کتابی در قرائت و اختلاف آن و توجیه و دلایل آن در هیجده جلد نگاشته است. در آن اثر، تمام مباحث قرائت مشهور و شاذ را همراه با دلیل و توجیه آن مطرح کرده و قرائت مورد نظر خود را از میان مشهور گزینش کرده است. (۴۳) گرچه این کتاب نیز مانند سایر آثار وی دستخوش حوادث شده و به ما نرسیده است، ولی خلاصه‌ای از آن را می‌توان در تفسیرش ملاحظه کرد.

او در تبیین اختلاف قرائات و توجیه آن با معانی واژگان، تبحر ستودنی دارد. (۴۴) متأسفانه، گرایش بسیار ایشان به نقل احادیث، موجب شده تا در دام اخبار اسرائیلی بیفتند. اسرائیلیات را از کعب الأخبار، وهب بن منبه، ابن جریر، سدی و دیگران نقل کرده است. بسیاری از اقوال را از محمد بن اسحاق و او از سلمه انصاری نقل کرده است. البته گاهی برخی از آرای سلمه انصاری را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد. (۴۵)

طبری، به آیات الأحکام و تحلیل آرای فقهی فقیهان، اهتمام خاص داشته است. اقوال فقهی را طرح می‌کند و به تحلیل و توجیه آنها می‌پردازد و در پایان نظر خاص فقهی خود را ارائه می‌کند و برای آن، دلایل علمی ارزشمندی اقامه



طبری ده‌ها کتاب حدیثی، فقهی، کلامی، تاریخی، تفسیری و علوم قرآن مانند ناسخ و منسوخ، اسباب نزول، قرائت، مفردات، غریب القرآن و مشکل القرآن، استخراج کند، به آسانی امکان‌پذیر است. (۵۰)

البیان طبری است. وی ادعای خود را مستند به عبارتی کرده که در دیباچه این اثر آمده است. (۵۲) این ادعا، چنان شهرتی یافت که اینک نیز در میان برخی از دانشمندان رواج دارد.

نسخه‌ها، چاپ‌ها، پژوهش‌ها و ترجمه‌ها

حبشی، فهرستی از نسخه‌ها، چاپ‌ها، گزیده‌ها، حواشی و شروح تفسیر طبری ارائه کرده است. (۵۱) در مرکز نور نیز چندین نسخه از این تفسیر وجود دارد که توسط ناشران بنام مانند: دار الکتب العلمیه، دار المعرفه، دار الهجر و مکتبه ابن تیمیة به زیور چاپ آراسته شده است. نسخه‌ای نیز با تحقیق برادران محمود و احمد محمد شاکر در ۱۶ جلد ناقص، وجود دارد. در این میان، بهترین نسخه، موردی است که توسط دکتر عبدالله بن عبدالمحسن ترکی با همکاری مرکز بحوث و دراسات عربی اسلامی دار الهجر در ۲۶ جلد چاپ شده و در برنامه نیز از آن استفاده شده است.

دوم: ترجمه تفسیر طبری، کتاب مستقلی است. دکتر عباس زریاب خوبی، پنبه این رشته نادرست را زد و ادعا کرد که ترجمه تفسیر طبری، ترجمه اصطلاحی نیست؛ بلکه تفسیر و اثر جدیدی است که متأثر از جامع البیان و تاریخ الأمم والملوک طبری و دیگر منابع است.

آیا جامع البیان طبری ترجمه فارسی دارد یا نه؟

در پاسخ به این پرسش باید گفت: اصل مطلب، منوط به تفسیر کهن پارسی به نام ترجمه تفسیر طبری به قلم دانشمندان ماوراءالنهر است. اگر این اثر همان‌گونه که از نامش پیداست، ترجمه اصطلاحی باشد، جواب سؤال مثبت، وگرنه منفی است.

نیز دکتر آذرتاش آذرنوش در مقاله «ترجمه تفسیر طبری» در دانشنامه جهان اسلام، بر آن است که این اثر، کتاب مستقلی است. علمای ماوراءالنهر، جامع البیان و تاریخ الأمم والملوک طبری و منابع دیگری در اختیار داشتند که از روی آنها، این اثر را نگاشته‌اند. (۵۳)

در این خصوص، سه نظریه وجود دارد:

سوم: ترجمه تفسیر طبری، تلخیص ترجمه فارسی جامع البیان است که در بیست جلد نگاشته شد و سپس، خلاصه آن، این کتاب شد. (۵۴) گویا این سخن در میان حرف‌های گفته‌شده، از همه بهتر

یکم: ترجمه تفسیر طبری، ترجمه تحت اللفظی و اصطلاحی تفسیر طبری است. حبیب یغمایی، مصحح و محقق کتاب بر آن است که این اثر، ترجمه اصطلاحی جامع



و به واقع نزدیک تر باشد.

اشتباه دیگری که در این مسئله رخ داده، این است که از قول حاجی خلیفه در کشف الظنون، علامه محمد قزوینی در مجله ایرانشهر، علی دوانی در یادنامه طبری، و ملک الشعراى بهار در مقدمه تاریخ بلعمی و سبک‌شناسی، نقل شده که مؤلف ترجمه تفسیر طبری، ابوعلی محمدبن محمد بلعمی است که در حدود ۳۴۷ یا ۳۴۸ ق، وزیر عبدالملک بن نوح سامانی، برادر منصور است که تفسیر مذکور به درخواست وی نگارش یافته است. (۵۵)

البته جناب محمدباقر خالصی دو جلد کتاب به نام ترجمه تفسیر طبری چاپ کرده است. از اول تفسیر طبری تا سوره بقره آیه ۱۶۷ را ترجمه کرده و در سال ۱۳۶۴ و ۱۳۷۱ توسط انتشارات دارالعلم قم چاپ شده است. متأسفانه، ایشان ترجمه را ادامه نداده و اسناد احادیث و آثار را حذف کرده است. (۵۶)

منابع تفسیر

یاقوت حموی گوید: طبری، کلیه آثار تفسیری صحابیان، تابعان و شاگردان تابعان را در تفسیرش گردآوری کرده است. اگر کسی بخواهد تفاسیر سلف را از این اثر استخراج کند، می‌تواند. وی آرای تفسیری مفسران را به طرق گوناگون نقل کرده است؛ از عبدالله بن عباس پنج طریق، سعید بن جبیر دو طریق، مجاهد سه طریق، قتاده سه طریق، حسن بصری سه طریق، عکرمه سه طریق، ضحاک دو طریق و عبدالله بن مسعود یک طریق آورده است.

برخی از تفاسیر تابعان که طبری از آنها در تفسیرش استفاده کرده است، بدین شرح‌اند: تفسیر عبدالرحمن بن زید بن اسلم، تفسیر ابن جریر، تفسیر مقاتل بن حیان،

و احادیث و آثار تفسیری مسند و مشهور از سایر مفسران و دانشمندان اسلامی.

وی از آثار تفسیری غیرمستند محمدبن سائب کلبی، مقاتل بن سلیمان و محمدبن عمر واقدی احتراز کرده است؛ ولی مطالب تاریخی و اخبار و حوادث و وقایع را از محمدبن سائب کلبی و فرزندش هشام و واقدی و دیگران در صورت نیاز نقل کرده است. از کتاب علی بن حمزه کسایی، یحیی بن زیاد فراء، ابوالحسن اخفش، ابوعلی قطرب و دیگران، معانی و اعراب واژگان قرآن را نقل کرده است. (۵۷)

برخی از مفسران نامدار با بیشترین بسامد تفسیری در این برنامه، عبارت‌اند از: ۱. قتاده بن دعامة؛ ۲. عبدالله بن عباس؛ ۳. مجاهد بن جبر؛ ۴. عبدالله بن ابی نجیح؛ ۵. عبدالملک بن جریر؛ ۶. عبدالرحمن بن زید؛ ۷. معمر بن راشد؛ ۸. عبدالله بن وهب؛ ۹. اسماعیل سدی؛ ۱۰. اسباط بن نصر همدانی.

دانشنامه

با توجه به مطالب گذشته، ضرورت داشت که پژوهش درخور و سزاواری بر روی جامع البیان

در میان اهل سنت، با گرایش اشعری، نه اعتزالی، تفسیر روایی یا تفسیر مأثور، مهم‌ترین تفسیر قرآن به شمار می‌آید. جامع البیان طبری، کهن‌ترین و کامل‌ترین تفسیر روایی عامه است. پژوهش این اثر، جامعه تفسیر پژوهان را از تمام تفاسیر روایی اهل سنت بی‌نیاز می‌کند. دانشنامه تفسیر طبری، عهده‌دار استخراج کلیه مطالب این تفسیر و دسته‌بندی موضوعی آنها با بهترین شیوه است؛ به گونه‌ای که کاربران به آسانی بتوانند به آرای تفسیری مفسران، اقوال فقهی فقیهان، اختلاف قرائت قاریان، تحلیل وجوه ادبی فرازهای قرآن توسط ادیبان و احادیث و اسانید آنها از نظر محدثان دسترسی داشته باشند. گروه قرآن مرکز نور، این توفیق را یافت که این پژوهش نوین را در قالب یک برنامه دیجیتالی به مفسران و اساتید و شاگردان رشته تفسیر و علوم قرآن، به‌ویژه اهل سنت ارائه کند.

عن تاویل آی القرآن انجام می‌گرفت تا در دسترس تفسیر پژوهان قرار گیرد. ازین رو، گروه قرآن معاونت پژوهش مرکز نور، بر آن شد تا این تفسیر سترگ را به شیوه دانشنامه‌ای پژوهش کند و برگ زرین دیگری به کارنامه قرآنی خود بیفزاید و دیدگان قرآن پژوهان، به‌ویژه آنان را که در زمینه احادیث تفسیری عامه علاقه وافر دارند، روشن نماید.

دانشنامه تفسیر طبری، دانشنامه‌ای دیجیتالی است که بر روی لوح فشرده عرضه می‌شود و زمینه دسترسی به متن تفسیر طبری با دسته‌بندی‌های موضوعی گوناگون و امکان جست‌وجوی ساده و پیشرفته را فراهم خواهد ساخت. مهم‌ترین ویژگی نرم‌افزارهای دانشنامه‌ای (برچسب‌گذاری یا فرمت تخصصی)، تقطیع متن و دسته‌بندی مطالب آن بر اساس موضوع‌های تخصصی است. دسته‌بندی موضوعی یا به عبارتی، فرمت‌های تخصصی نرم‌افزار دانشنامه تفسیر طبری، از این قرار است: مباحث، اعلام، واژگان و آیات.

مباحث، شامل تفسیر ۲۹۴۸۹ مورد، فقهی ۶۸۷۹ مورد، اسباب نزول ۱۹۱۹ مورد، قرائت ۱۴۳۴ مورد، ادبی ۱۷۰۲، طرق آثار و روایات ۲۹۹۰۵ مورد که در کل، ۷۱۳۲۸ فیش شده است.

برجستگی این پژوهش، ارتباط چندسویه مطالب فوق است؛ یعنی اگر کاربر بحث تفسیری را انتخاب کند، دامنه اعلام، واژگان و آیات، به همان مبحث تفسیری محدود می‌شود و چنانچه علمی یا فردی مانند عبدالله بن عباس را گزینش نماید، دامنه واژگان و آیات، به آرای ابن عباس مقید می‌گردد و اگر التاویل را گزینش کند، دامنه آیات به آیاتی که ابن عباس ذیل آن درباره تاویل سخن گفته است، محدود می‌شود و چنانچه سوره‌ای را انتخاب نماید، مانند الأنعام، دامنه آیات به سوره انعام مقید می‌گردد؛ یعنی مسیر پژوهش چنین می‌باشد:

تفسیری ← عبدالله بن عباس ← التاویل ← الأنعام ← آیات: ۷۵، ۹۵، ۹۶، ۹۹، ۱۱۳ و ۱۴۶.

در واقع توسط این پژوهش، زمینه استخراج آرای تفسیری مفسران از صحابیان و تابعان مذکور، با گزینش یکی از بخش‌های: «مباحث»، «علم»، «کلیدواژه» یا «سوره» و «آیه» در این تفسیر فراهم می‌باشد و از این طریق می‌توان به نتایج پژوهشی دقیقی دسترسی داشت. مسیری را که در بالا ذکر شد، از انتها به ابتدا یا از میانه به انتها یا ابتدا هم می‌توان انجام داد.

به عنوان نمونه، اگر مبحث «قرائت» انتخاب شود، فهرست قاریانی که طبری اختلاف قرائات آنان را نقل کرده است، در اختیار کاربر قرار می‌گیرد. بحث و بررسی هریک از اساتید قرائت، مانند عاصم بن ابی‌النجد الجحدری و واژگان اختلاف قرائت وی به همراه نشانی سوره و آیه و متن کتاب، موضوع رساله یا پایان‌نامه‌ای مستقل خواهد بود.

از آنجا که «اعلام» اهمیت ویژه‌ای دارند، فهرست اعلام طبری، هماهنگ‌سازی شده تا کاربران به‌آسانی به کلیه مطالب دسترسی پیدا کنند.

اگر نام عبدالله بن عباس در بخش اعلام انتخاب شود، ۴۰۱۲ فیش نمایش داده می‌شود. این فیش‌ها، شامل تمامی آرای: تفسیری، فقهی، قرائتی، اسباب نزول، ادبی، طرق روایات، کلیدواژگان و سوره و آیاتی است که طبری از ابن عباس آورده است. در این صورت است که کاربر می‌تواند تحقیق کاملی پیرامون فرد مورد نظر انجام دهد.

آمار فیش‌های تحقیقاتی عبدالله بن عباس (۴۰۱۲ مورد)، بدین شرح است: ۲۸۲۲ مورد آن تفسیری، ۷۲۲ مورد آن فقهی، ۲۰۰ مورد آن اسباب نزول، ۱۰۱ مورد قرائت، ۲۰ مورد ادبی و ۱۴۷ مورد طرق و اسناد روایات آن است. در واقع، با این پژوهش، زمینه استخراج آرای تفسیری، فقهی و... ابن عباس از تفسیر طبری با دسته‌بندی مذکور فراهم است. سایر دانشمندان مذکور در این تفسیر، به همین وزن قابل استخراج است. با گزینش کلیدواژه یا سوره و آیه نیز، همین عملیات قابل تکرار است. همین مسیر را از انتها به ابتدا یا از میانه به انتها یا ابتدا هم می‌توان انجام داد.

مخاطبان

پژوهشگران حوزه تفسیر و علوم قرآن، اعم از اساتید و طلاب حوزه‌های علمیه و دانشجویان و دانش‌آموختگان دانشکده‌های تفسیر و علوم قرآن، به‌ویژه اساتید و دانشجویان و طلاب رشته تفسیر و علوم قرآن اهل سنت و کلیه پژوهشگران علوم اسلامی، از مخاطبان این برنامه خواهند بود.

نتیجه

در میان اهل سنت، با گرایش اشعری، نه اعتزالی، تفسیر روایی یا تفسیر مأثور، مهم‌ترین تفسیر قرآن به شمار می‌آید. جامع البیان طبری، کهن‌ترین و کامل‌ترین تفسیر روایی عامه است. پژوهش این اثر، جامعه تفسیر پژوهان را از تمام تفاسیر روایی اهل سنت بی‌نیاز می‌کند. دانشنامه تفسیر طبری،

عہدہ دار استخراج کلیہ مطالب این تفسیر و دستہ بندی موضوعی آنها با بہترین شیوہ است؛ بہ گونہ ای کہ کاربران بہ آسانی بتوانند بہ آرای تفسیری مفسران، اقوال فقہی فقہیان، اختلاف قرائت قاریان، تحلیل وجوہ ادبی فرازہای قرآن توسط ادیبان و احادیث و اسانید آنها از نظر محدثان دسترسی داشته باشند. گروہ قرآن مرکز نور، این توفیق را یافت کہ این پژوهش نوین را در قالب یک برنامه دیجیتالی بہ مفسران و اسانید و شاگردان رشتہ تفسیر و علوم قرآن، بہ ویژه اہل سنت اراثہ کند. ■

پی نوشت‌ها

۱. سمینار بین المللی طبری، یادنامہ طبری، ص ۳۱.
۲. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۲، ص ۱۶۱.
۳. سمینار بین المللی طبری، یادنامہ طبری، ص ۳۲.
۴. همان.
۵. همان.
۶. همان، ص ۳۳.
۷. همان، ص ۳۲.
۸. همان، ص ۳۳.
۹. همان، ص ۴۴.
۱۰. همان، ص ۴۶.
۱۱. همان، ص ۴۱.
۱۲. همان.
۱۳. خوانساری، روضات الجنات، ۸ جلدی، ج ۷، ص ۲۹۵.
۱۴. شہابی، احوال و آثار محمد بن جریر طبری، ج ۱، ص ۳۷ و ۷۵.
۱۵. سمینار بین المللی طبری، یادنامہ طبری، ص ۳۹.
۱۶. همان، ص ۴۵.
۱۷. ذہبی، التفسیر والمفسرون، ج ۱، ص ۲۰۵.
۱۸. داودی، طبقات المفسرین، ج ۲، ص ۱۱۳.
۱۹. سیوطی، طبقات المفسرین، ص ۸۲.
۲۰. شہابی، احوال و آثار محمد بن جریر طبری، ج ۱، ص ۳۰.
۲۱. ادنہوی، طبقات المفسرین، ص ۴۹.
۲۲. حمد، محاضرات فی علوم القرآن، ص ۱۸۸.
۲۳. طبری، تاریخ الأمم والملوک، ج ۱، ص ۸۹.
۲۴. حاجی خلیفہ، کشف الظنون عن أسامی الکتب والفنون، ۲ جلدی، ص ۴۳۷.
۲۵. بغدادی، ہدیة العارفین، اسماء المؤلفین و آثار المصنفین، ج ۲، ص ۲۷.

۲۶. ابن خلکان، وفيات الأعیان ونبأ أبناء الزمان، ج ۸، ص ۶۰۲.
۲۷. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۲، ص ۱۶۱.
۲۸. حاجی خلیفہ، کشف الظنون عن أسامی الکتب والفنون، ج ۱، ص ۴۳۷.
۲۹. داودی، طبقات المفسرین، ج ۲، ص ۱۱۲.
۳۰. طبری، تاریخ الأمم والملوک، ج ۱، ص ۸۹.
۳۱. سمینار بین المللی طبری، یادنامہ طبری، ص ۵۰.
۳۲. سیوطی، الإتقان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۴۷۴.
۳۳. ذہبی، التفسیر والمفسرون، ج ۱، ص ۲۰۸.
۳۴. حاجی خلیفہ، کشف الظنون عن أسامی الکتب والفنون، ج ۱، ص ۴۳۷.
۳۵. نووی، تہذیب الأسماء واللغات، ص ۶۱.
۳۶. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۲، ص ۱۶۱.
۳۷. یاقوت حموی، معجم الأدباء، ج ۶، ص ۲۴۴۲.
۳۸. ذہبی، التفسیر والمفسرون، ج ۱، ص ۲۰۹.
۳۹. طبری، تفسیر الطبری، ج ۱، ص ۱۱۲.
۴۰. همان، ج ۱۳، ص ۱۹۷؛ همان، ج ۲، ص ۶۵؛ همان، ج ۴، ص ۱۶۵.
۴۱. همان، ج ۱۵، ص ۳۸۶.
۴۲. همان، ج ۴، ص ۱۶۹.
۴۳. یاقوت حموی، معجم الأدباء، ج ۶، ص ۲۴۴۴.
۴۴. طبری، تفسیر الطبری، ج ۱۶، ص ۳۳۲.
۴۵. همان، ج ۱۴، ص ۵۰۳.
۴۶. همان، ص ۱۷۵.
۴۷. همان، ج ۱، ص ۱۹۷.
۴۸. همان، ج ۸، ص ۵۵۵.
۴۹. همان، ج ۲۰، ص ۲۴۴.
۵۰. ذہبی، التفسیر والمفسرون، ج ۱، ص ۲۲۳.
۵۱. حبشی، جامع الشروح والحواشی، ج ۱، ص ۷۰۶.
۵۲. طبری، ترجمہ تفسیر طبری، ج ۱، ص ۵.
۵۳. دانشنامہ جهان اسلام، ج ۷، ص ۷۱ تا ۷۳.
۵۴. شاہرخ محمدیگی، «ترجمہ تفسیر طبری»، آینہ پژوهش، ش ۲۴، ص ۲۱-۲۹، ۱۳۷۳ ش.

۲۰. علماء ماوراء النهر، ترجمه تفسیر طبری، تهران: چاپ ۲، ۱۳۵۶ش.

۲۱. محمدیگی، شاهرخ، «ترجمه تفسیر طبری»، آینه پژوهش، ش ۲۴، ص ۲۱-۲۹، ۱۳۷۳ش.

۲۲. مرتضایی، عزت‌الله، «گروه قرآن در آینه زمان و چشم‌انداز طرح‌های نوین قرآنی»، ره‌آورد نور، سال هجدهم، ش ۶۸، پیاپی ۸۵، پائیز ۱۳۹۸ش، ص ۲-۹.

۲۳. —، «معرفی نرم‌افزار دانشنامه تفسیر صافی»، ره‌آورد نور، سال بیستم، ش ۷۴، پیاپی ۹۱، بهار ۱۴۰۰ش، ص ۳۶-۵۱.

۲۴. مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، نرم‌افزار دانشنامه تفسیر طبری، قم: ۱۳۹۹ش.

۲۵. —، نرم‌افزار دانشنامه علوم قرآن (مشکاة الأنوار)، قم: ۱۳۹۶ش.

۲۶. —، نرم‌افزار کتابخانه تراجم و کتاب‌شناسی - نسخه ۳، قم: ۱۳۹۵ش.

۲۷. مینوی، مجتبی، یغما، «ترجمه تفسیر طبری»، شماره ششم، سال دوم، شهریور ۱۳۲۸ش، ص ۲۲۵-۲۲۹.

۲۸. نووی، یحیی‌بن‌شرف، تهذیب الأسماء واللغات، دمشق: دار الرسالة العالمية، چاپ ۱، ۱۴۳۰ق.

۲۹. یادنامه طبری، سمینار بین‌المللی طبری (بابلسر: ۱۳۶۸)، دبیرخانه سمینار بین‌المللی طبری، ایران، ۱۳۶۹ش.

۵۵. مجتبی مینوی، «ترجمه تفسیر طبری»، یغما، ش ۶، سال دوم، ص ۲۲۵-۲۲۹، شهریور ۱۳۲۸ش. شاهرخ محمدیگی، «ترجمه تفسیر طبری»، آینه پژوهش، ش ۲۴، ص ۲۱-۲۹، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۳ش.

۵۶. خالصی، ترجمه تفسیر طبری، ج ۱، ص ۱۰.

۵۷. یاقوت حموی، معجم الأدباء، ج ۶، ص ۲۴۴۲.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن‌خلکان، احمد بن محمد، وفيات الأعیان و أنباء أبناء الزمان، بیروت: دار الفکر، چاپ ۱، بی‌تا.
۳. ادنوی، احمد بن محمد، طبقات المفسرین، مدینه منوره: مکتبه العلوم والحکم، ۱۴۱۷ق.
۴. آذرنوش، آذرتاش، دانشنامه جهان اسلام، ترجمه تفسیر طبری، ج ۷، ص ۷۱-۷۳، ۱۳۸۲ش.
۵. بغدادی، اسماعیل، هدیه العارفين، اسماء المؤلفين و آثار المصنفين، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ ۱، ۱۹۵۱م.
۶. حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله، كشف الظنون عن أسامی الكتب والفنون، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ ۱، بی‌تا.
۷. حبشی، عبدالله محمد، جامع الشروح والحواشی، هیئة أبوظبي للثقافة والتراث، ابوظبی: المجمع الثقافي، چاپ ۲، ۱۴۲۷ق.
۸. حمد، غانم قدوری، محاضرات فی علوم القرآن، عمان: دار عمار، ۱۴۲۳ق.
۹. حموی، یاقوت بن عبدالله، معجم الأدباء، بیروت: دار الغرب الإسلامي، چاپ ۱، ۱۹۹۳م.
۱۰. خالصی، محمدباقر، ترجمه تفسیر طبری، قم: دار العلم، ۱۳۶۳ش.
۱۱. خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، چاپ ۱، ۱۴۱۷ق.
۱۲. خوانساری، محمدباقر بن زین العابدین، روضات الجنات فی أحوال العلماء والسادات، اسدالله اسماعیلیان، قم: دهقانی (اسماعیلیان)، چاپ ۱، ۱۳۹۰ق.
۱۳. داودی، محمد بن علی، طبقات المفسرین، بیروت: دار الکتب العلمیة، بی‌تا.
۱۴. ذهبی، محمد حسین، التفسیر والمفسرون، بیروت: دار إحياء التراث العربی، بی‌تا.
۱۵. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الإیتقان فی علوم القرآن، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۲۱ق.
۱۶. —، طبقات المفسرین، بیروت: دار الکتب العلمیة، بی‌تا.
۱۷. شهابی، علی اکبر، احوال و آثار محمد بن جریر طبری، تهران: ۱۳۶۳ش.
۱۸. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الأمم والملوک، بیروت: بی‌تا.
۱۹. —، جامع البیان عن تاویل آی القرآن، محقق: عبدالله بن عبدالمحسن ترکی، قاهره: دار الهجرة، مرکز البحوث والدراسات العربیة والإسلامیة، ۱۴۲۲ق.